

## **The Political Model Governing Relations Between the Media and the Egyptian Government (Case Study: The Government of Abdel Fattah el-Sisi)**

**Mehdi Hedayati Shahidani** <sup>1\*</sup>  
**Rasul Sharifi** <sup>2</sup>

**Received on: 02/11/2021**  
**Accepted on: 06/02/2022**

### **Abstract**

In July 2013, Abdel Fattah el-Sisi ousted then-President of Egypt Mohamed Morsi and was able to seize power in a military coup. He blamed the media for the Hosni Mubarak's fall and, accordingly, decided to establish a new model of the relationship between the Egyptian government and the structure of the Egyptian media. The main question of this research is: what is the pattern of relations between the media and the Egyptian government headed by Abdel Fattah el-Sisi? The findings show that the Egyptian media was closely monitored during the presidency of Abdel Fattah el-Sisi, and a new pattern emerged in the relationship between the media and the political system in Egypt. Although the new pattern was supported by Abdel Fattah el-Sisi, eventually it negatively affected all the Egyptian media and collapsed due to inefficiency. This study aims to identify the pattern governing the relationship between the media and the Egyptian government in the six years from 2013 to 2019. To achieve this goal, using the method of document analysis, which is based on a purposeful and systematic study of sources and focuses on descriptive and interpretive search, the relationship between the media and the political system headed by Abdel Fattah el-Sisi has been examined.

**Keywords:** Egyptian Government, Media, Documentary Analysis, Abdel Fattah el-Sisi.

---

1\*. Assistant Professor of International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran.  
(Corresponding Author: Mehdi.hedayati88@gmail.com)

2. M.A, Social Communication Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.  
(Email: Sharifi1824@yahoo.com )

## الگوی سیاسی حاکم بر روابط رسانه‌ها و دولت مصر (مطالعه موردی: حکومت عبدالفتاح السیسی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

مهدی هدایتی شهیدانی<sup>\*۱</sup>

رسول شریفی<sup>۲</sup>

چکیده

در ژوئیه سال ۲۰۱۳ عبدالفتاح السیسی با یک کودتای نظامی توانست محمد مرسی رئیس‌جمهور وقت مصر را سرنگون کرده و خود قدرت را در دست بگیرد. وی رسانه‌ها را عامل سقوط حسنی مبارک می‌دانست و از همین رو بر آن شد تا الگوی جدیدی از رابطه دولت این کشور و ساختار رسانه‌ای مصر حاکم سازد. از این رو، سؤال اصلی این پژوهش آن است که چه الگویی بر روابط رسانه‌ها و دولت مصر به ریاست عبدالفتاح السیسی حاکم است؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که رسانه‌های مصری در دوره ریاست جمهوری عبدالفتاح السیسی تحت کنترل و نظارت شدیدی قرار گرفتند و الگوی جدیدی بر روابط رسانه‌ها و نظام سیاسی در مصر حاکم شده است. گرچه الگوی جدید مورد حمایت عبدالفتاح السیسی بود، اما سرانجام به دلیل ناکارآمدی، بر تمامی رسانه‌های مصری تأثیر منفی برجای گذاشت و از هم فروپاشید. این پژوهش با هدف شناخت الگوی حاکم بر روابط رسانه‌ها و دولت مصر در دوره شش ساله ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ انجام شده است. برای دستیابی به این هدف، با استفاده از روش تحلیل اسنادی که بر مطالعه هدفمند و نظاممند منابع مبتنی است و محور آن جستجوی توصیفی و تفسیری است، روابط رسانه‌ها با نظام سیاسی به ریاست عبدالفتاح السیسی مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** دولت مصر، رسانه‌ها، تحلیل اسنادی، عبدالفتاح السیسی.

(صفحه ۸۷-۱۱۰)

\*۱. استادیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان.

(نویسنده مسئول: Mehdi.hedayati88@gmail.com)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.

(Sharifi1824@yahoo.com)

## مقدمه

در سوم ژوئیه سال ۲۰۱۳ هنوز عبدالفتاح السیسی سخنرانی خود را مبنی بر عزل رئیس‌جمهور وقت مصر «محمد مرسی» تمام نکرده بود که رسانه‌های حامی رئیس‌جمهور معزول تعطیل شدند. اندکی بعد رسانه‌های حامی کودتای نظامی السیسی شروع به پخش زنده حمله مأموران امنیتی به مقر رسانه‌های اخوان المسلمین کرده که طی آن برخی از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران بازداشت شدند و نظام رسانه‌ای مصر وارد مرحله جدیدی شد. در این مرحله آن مقدار از آزادی بیان که در نتیجه انقلاب مارس ۲۰۱۱ ایجاد شده بود، نیز از بین رفت.

افزایش محدودیت‌های رسانه‌ای یا به عبارتی کاهش آزادی رسانه‌ای نتیجه تفکری بود که عبدالفتاح السیسی نسبت به رسانه‌ها داشت. او معتقد بود که انقلاب مردمی ۲۵ مارس مصر نتیجه آزادی‌ای بود که روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و به عبارتی رسانه‌ها داشتند. السیسی رسانه‌ها را عامل افزایش آگاهی مردم و در نتیجه عامل اصلی انقلاب می‌دانست. وی در یکی از سخنرانی‌های خود به قدرت رسانه‌ها پرداخت و ۹۰ درصد افکار عمومی را متأثر از رسانه‌ها قلمداد کرد. در نتیجه السیسی بعد از به قدرت‌یابی دستور داد که رسانه‌ها تحت کنترل و نظارت مستقیم دستگاه امنیتی قرار گیرند. به دنبال آن، سرلشکر «عباس کامل» رئیس دفتر و یکی از عناصر نزدیک خود را به عنوان ناظر بر تمامی تحریریه‌های رسانه‌ای گماشت، به طوری که بعدها این شخص به عنوان «شورای عالی مقررات رسانه‌ای» شناخته شد. نظارت و کنترل رسانه‌ها به شبکه‌های اجتماعی نیز سرایت کرد و در این خصوص مجلس نمایندگان مصر در تابستان ۲۰۱۸ قانونی را تصویب کرد که بر طبق آن دولت می‌تواند صاحبان حقیقی و حقوقی حساب‌های شبکه‌های اجتماعی را که بیش از ۵ هزار مخاطب داشته باشد، مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم محاکمه کند. لذا با توجه به اهمیت تحولات کشور مصر در صحنه عربی و بین‌المللی به نظر می‌رسد که شناخت الگوی حاکم بر روابط رسانه‌ها و نظام سیاسی آن در دوره السیسی بسیار پراهمیت و ضروری است و به همین خاطر محققان در این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال مهم هستند که چه الگویی حاکم بر روابط رسانه‌ها و دولت مصر به ریاست عبدالفتاح السیسی حاکم است؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که رسانه‌های مصری در دوره ریاست جمهوری السیسی تحت کنترل و نظارت شدیدی قرار گرفتند و الگوی جدیدی بر روابط رسانه‌ها و نظام سیاسی در مصر حاکم شده است. گرچه الگوی جدید مورد حمایت عبدالفتاح

السیسی بود، اما سرانجام به دلیل ناکارآمدی، بر تمامی رسانه‌های مصری تأثیر منفی گذاشت و از هم فروپاشید.

با توجه نقش مهم تحولات کشور مصر در معادلات اسلامی، عربی و بین‌المللی و همچنین با توجه پیشینه تاریخی این کشور در عرصه رسانه‌ای، بدیهی است که شناخت ارتباط میان تحولات سیاسی و رسانه‌ای آن بسیار مهم و ضروری است. همچنین با توجه به آن‌که در داخل ایران سهم ناچیزی از تحقیقات علمی به این دسته از تحولات در کشور مصر اختصاص پیدا کرده است، لذا انجام این پژوهش می‌تواند به صاحب‌نظران رسانه‌ای کشور برای تجزیه و تحلیل کش و قوس‌های صورت گرفته میان جریان‌های رسانه‌ای و تحولات نظام سیاسی مصر در دوران حکومت السیسی کمک شایانی نماید.

اهداف این پژوهش به دو دسته اهداف کلی و جزئی دسته‌بندی خواهند شد. بر این اساس شناخت الگوی حاکم بر روابط میان رسانه‌ها و نظام سیاسی السیسی در زمره اهداف کلی پژوهش قرار خواهند گرفت؛ اما در ذیل این هدف می‌توان دسترسی به چند هدف دیگر را نیز در دستور کار قرار داد؛ که از آن جمله باید به مواردی همچون شناخت محدودیت‌های رسانه‌ای در مواجهه با نوسانات نظام‌های سیاسی، شناخت انواع گوناگون مالکیت رسانه‌ها و درک جریان‌های رسانه‌ای حامی و مخالف السیسی اشاره کرد.

## الف - پیشینه پژوهش

تا آنجا که محقق جستجو نموده، به جز یک پژوهش داخلی در زمینه رسانه‌های مصری و چند پژوهش دیگر به زبان خارجی روبرو نشده و همچنان خلأ چنین پژوهش‌های حس می‌شود. به اختصار می‌توان تعداد معدودی از تحقیقات مرتبط با این موضوع را برشمرد. در میان پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان به پژوهش «شحاته عوض» تحت عنوان «بحران در روابط مطبوعات و دولت مصر» اشاره کرد. وی در این پژوهش به افزایش محدودیت‌های خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در سال ۲۰۱۶ پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بعد از اینکه انجمن روزنامه‌نگاران مصری بر علیه توافقنامه الحاق جزایر تیران و صنافیر بیانیه‌ای اعتراض‌آمیز صادر کرد، مورد هجوم نیروهای امنیتی دولت السیسی قرار گرفت و این منجر افزایش محدودیت‌ها علیه روزنامه‌نگاران و رسانه‌های

مصر گردید (شحاته عوض، ۲۰۱۶).

پژوهش «نقش رسانه‌ها در کودتای نظامی ۲۰۱۳» از تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است. این پژوهش که توسط «فاطمه العیساوی» صورت گرفته، به بررسی گزارش‌ها و برنامه‌های پرداخته که در بسترسازی کودتای نظامی نقش داشتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که برخی از شبکه‌های خبری همراه با السیسی در براندازی دولت مرسی نقش داشتند (El Issawi, 2014). یکی دیگر از پژوهش‌هایی که به موضوع مقاله حاضر نزدیک است، پژوهش «آلا عبدالرحمن» تحت عنوان «نقش رسانه‌ها در افزایش خشونت سیاسی مصر در دوره بعد از کودتای نظامی» است. وی در این تحقیق نشان داد که خشونت سیاسی بر علیه مخالفان توسط رسانه‌های حامی عبدالفتاح السیسی ترویج و توجیه می‌شود (عبدالرحمن، ۲۰۱۷).

از دیگر پژوهش‌های مرتبط می‌توان به پژوهش «رشا عبدالله» اشاره کرد. عنوان پژوهش رشا عبدالله «رسانه‌های مصر در اوج انقلاب» بود. وی در این پژوهش نشان می‌دهد که نظام رسانه‌ای مصری تحت سلطه دولت مصر قرار گرفته است و بعد از انقلاب مردمی سال ۲۰۱۱ و روی کار آمدن مرسی، رسانه‌های مصری نتوانستند از فرصت استفاده کرده و روند اصلاحات در مصر را به انجام برسانند (رشا عبدالله، ۲۰۱۴). سید محمد موسوی در پژوهشی تحت عنوان «جایگاه رسانه‌های جدید در تحولات اخیر مصر» به نقش رسانه‌های جدید در وقوع انقلاب مردمی ۲۵ مارس مصر پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که رسانه‌های جدید مانند فیسبوک و توییتر در شکل‌گیری اعتراضات مردمی و اتحاد آن‌ها نقش پررنگی ایفا کرده‌اند (موسوی، ۱۳۹۲).

## ب- مبانی نظری و روش

### ۱- چارچوب نظری

با توجه به وضعیت اجتماعی- سیاسی مصر در دوران عبدالفتاح السیسی و نوع نگرش وی به رسانه‌ها، نظریه اقتدارگرا<sup>۱</sup> می‌تواند چارچوب مناسبی برای این پژوهش باشد، به‌ویژه اینکه این نظریه در تبیین روابط رسانه‌ها و نظام سیاسی در نظام‌های غیردموکراتیک مانند نظام مصر بسیار پرکاربرد

.....  
1 . Authoritarian Theory

است. این نظریه همه اشکال ارتباطات تحت کنترل نخبگان یا مقامات حاکم و یا دیوان‌سالاران تأثیرگذار در امور حکومتی را تشریح می‌کند.

نظریه اقتدارگرا، یکی از نظریه‌های هنجاری رسانه‌های جمعی به شمار می‌رود. نظریه‌های هنجاری، مشخص‌کننده بایدها و نبایدها در عملکرد رسانه‌هاست. این بایدها و نبایدها برخاسته از نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است که از جمله آن‌ها می‌توان به قوانین مکتوب مربوط به رسانه‌ها، ایدئولوژی و پیش‌فرض‌های ضمنی موجود در جامعه اشاره کرد. دیدگاه هنجاری رسانه، برآیند مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها در نهادهای متنوعی است که در تعامل با رسانه قرار دارند. رابطه رسانه با هر یک از این نهادها، شرایط و موقعیت عمل رسانه، مبانی فلسفی و فکری پایه‌گذاران آن و ریشه‌های شکل‌گیری رسانه و نیز ارزش‌ها و آموزه‌ها و اصول دینی، از جمله بسترهای شکل‌گیری نظریه‌های هنجاری در ارتباطات جمعی به شمار می‌آیند (مک‌کوایل، ۱۳۸۲).

بر طبق نظریه اقتدارگرایی، رسانه‌ها نقش آمرانه‌ای برای اعمال قدرت در جامعه دارند. فقدان استقلال رسانه‌ها و وابستگی آن‌ها به دولت، از جمله ویژگی‌های نظام اقتدارگرای رسانه‌ای است. بر پایه این نظریه، حقیقت و قدرت دو روی یک سکه‌اند. به این معنا که صاحب قدرت، مدعی حقیقت است و این پیوند حقیقت و قدرت توجیهی برای هدایت و کنترل رسانه‌ها از بالاست. مطبوعات و رسانه‌ها اگرچه ممکن است دارای مالکیت شخصی یا عمومی باشند اما وسیله‌ای برای تحقق سیاست‌های دولت محسوب می‌شوند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۴۴۳).

نظریه اقتدارگرا دارای سابقه تاریخی طولانی در اروپای قرون شانزدهم و هفدهم و تحت حاکمیت پادشاهان و دولت‌های صاحب قدرت مطلقه است که در آن ناشران برای دریافت مجوز انتشار نیازمند فرمانی از جانب پادشاه یا دولت بودند. این نظریه امروزه مصداق آن بخش از جوامع و نظام‌های رسانه‌ای است که در آن رسانه‌ها عمدتاً دارای مالکیت متمرکز دولتی و ابزار اعمال قدرت بر ملت هستند و هرگونه اعتراض و انتقادی به مثابه تهدیدی برای امنیت و ثبات دولت به شمار می‌رود. اشکال کنترل دولت بر مطبوعات و رسانه‌ها چنین است:

- وضع قانون
- کنترل مستقیم و بدون واسطه تولیدات رسانه‌ای
- کنترل ورود رسانه‌های خارجی
- حق دولت در انتصاب اعضای سردبیری

- معلق نگه‌داشتن انتشار (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۱۶۳).
- مک کوایل<sup>۱</sup> اصول اساسی نظریه اقتدارگرا را به شرح زیر خلاصه کرده است:
- رسانه‌ها نباید دست به اقدامی بزنند که قدرت مستقر تضعیف و نظم موجود مختل شود.
- رسانه‌ها باید مطیع و تابع قدرت مستقر باشند.
- رسانه‌ها باید از توهین به اکثریت یا ارزش‌های غالب سیاسی و اخلاقی پرهیز کنند.
- اعمال سانسور برای اجرای اصول فوق موجه است.
- حمله غیرقابل قبول به مراجع قدرت، انحراف از سیاست‌های رسمی و توهین به اصول اخلاقی جرم محسوب می‌شود.
- روزنامه‌نگاران و دیگر کارکنان رسانه‌ها در درون سازمان رسانه‌ای خود هیچ استقلالی ندارند (مک‌کوایل، ۱۳۸۲: ۱۶۴).

از آنجایی که نظام سیاسی در مصر یک نظام اقتدارگرا است، می‌توان از نظریه هنجاری اقتدارگرایی رسانه‌ها برای تبیین روابط رسانه‌ها و نظام سیاسی مصر بهره جست. به‌ویژه آن‌که این نظریه در کشورهای غیردموکراتیک مانند مصر (عهد السیسی) به لحاظ محتوایی و شکلی از انطباق گسترده‌ای برخوردار است. السیسی بعد از به قدرت رسیدن تا جایی که توانست رسانه‌ها را تحت سیطره خود درآورد و رسانه‌ها در دوره ریاست وی، نقش آمرانه‌ای برای اعمال قدرت در جامعه پیدا کردند (Darwisheh, 2015:57). همچنین در دوره السیسی، اکثر رسانه‌ها استقلال خود را از دست داده و به دولت وابسته شدند. در قالب چنین رویکرد نظری، این پژوهش بر آن است تا رابطه رسانه‌ها و نظام سیاسی مصر را بر اساس نظریه اقتدارگرایی رسانه‌ها بررسی نموده و الگوی حاکم بر این رابطه را تبیین نماید.

## ۲- روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل اسنادی استفاده می‌شود که بر مطالعه هدفمند و نظامند منابع مبتنی است و محور آن جستجوی توصیفی و تفسیری است؛ اما می‌توان با آن به تحلیل تبیینی دست زد و پرسش‌های «چرایی» را پاسخ داد و نوعی تبیین تفسیری و نه اثبات‌گرایانه، ارائه کرد. با این روش می‌توان از توصیف فراتر رفت و دست به تحلیل و تفسیر زد. در مرحله نخست این روش، طرح

.....  
1 . Denis McQuail, (1935-2017)

پرسش و هدف تحقیق به صورت شفاف ضروری است که در مقدمه بیان شدند. در مرحله دوم، چارچوبی نظری انتخاب می‌شود، زیرا راهنمای محققان در بین منابع است و مسیر پژوهش را مشخص می‌کند.

گام سوم در اجرای روش تحلیل اسنادی، تعیین و ارزیابی منابع است که بر پایه چهار محور صورت می‌گیرد: اصالت، اعتبار، نمایندگی و معنی. گام چهارم، گردآوری داده‌هاست که با روش «تحلیل محتوا» صورت می‌گیرد زیرا این روش برای توصیف منظم، عینی و کمی محتوای ارتباطات مفید است (باردن، ۱۳۷۳: ۳۵). نمونه‌گیری از منابع هدفمند است؛ به این معنا که تلاش شده است تا از منابع دست اول به زبان عربی برای سنجش گزاره‌های مجهول مقاله بهره‌برداری شود.

## پ- یافته‌های پژوهش

### ۱- مسئله ناکارآمدی نهادمندی سیاسی در مصر

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها برای نهادینه‌شدن و تثبیت نظام‌های سیاسی مردمی، نهادمندی سیاسی در آن‌ها است. اگرچه فروپاشی رژیم‌های اقتدارگرا و گذار اولیه به حکومت‌های مردمی حتی بدون نهادهای کارآمد امکان‌پذیر باشد، اما تثبیت و تحکیم این‌گونه نظام‌ها بدون نهادهای قدرتمند و کارا غیرممکن است. به طور کلی یک نظام سیاسی زمانی کارآمد و معتبر خواهد بود که از درجه بالای نهادینگی برخوردار باشد. این موضوع به آن معنا است سازمان‌ها و آیین‌نامه‌های زیربنایی آن متعدد و به اندازه کافی ثابت و از نظر مردم ارزشمند باشد. چنین نهادهایی برای حفظ جامعه و جلوگیری از پاشیدگی آن و سامان دادن به نزاع‌های متفاوت ضرورت دارند. علاوه بر آن برای یک سیاست منسجم و مطابق با منابع عمومی نیز ضروری هستند (نیاکوئی، ۱۳۹۳: ۹۷).

توجه به رخدادهای اجتماعی مصر در فاصله سقوط حسنی مبارک تا وقوع کودتا توسط عبدالفتاح السیسی علیه محمد مرسی حکایت از این موضوع داشت که در این کشور گسترش آموزش و ارتباطات، درخواست برای مشارکت سیاسی توسط شهروندان در عرصه سیاسی را افزایش داده بود؛ اما تراکم مطالبات اجتماعی و تقاضاهای متناقض و پیچیده آنان، وضعیت بغرنجی را پیش روی فضای اجتماعی سیاسی این کشور قرار می‌داد. شکنندگی و آسیب‌پذیری نهادهای سیاسی در کنار مطالبات متنوع و متکثر همواره زمینه بی‌ثباتی سیاسی در این کشور را فراهم آورده است، به نوعی که یکی از



مهمترین دلایل کودتا علیه محمد مرسی توسط السیسی به ناکارآمدی نهادهای سیاسی-اجتماعی مصر مربوط دانسته شده است.

حضور مداوم و خیابانی نیروهای اجتماعی مختلف با مطالبات متنوع و متناقض در عرصه سیاسی کشور در دوران ریاست جمهوری محمد مرسی، عدم وجود نهادهای سیاسی و سازمان‌های اجتماعی مورد پذیرش عمومی برای تضمین انتقال قدرت سیاسی در مصر و عدم وجود رهبران سیاسی مورد قبول عامه برای ایفای نقش میانجی‌گری سیاسی زمینه رویارویی نیروهای اجتماعی را در دوران ریاست جمهوری مرسی به حداکثر رساند. به گونه‌ای که در اواخر این دوره، شاهد افزایش حداکثری خشونت در جامعه مصر بودیم.

وقوع کودتا توسط ارتش و برکناری مرسی از قدرت توسط عبدالفتاح السیسی را باید نشانه ضعف نهادمندی سیاسی در این کشور قلمداد کرد. این پدیده می‌تواند در تمامی موضوعات اجتماعی سیاسی وابسته به خود، به عنوان مانعی مهم در برابر روندهای مردمی‌شدن نظام سیاسی اجتماعی کشور مصر ایفای نقش کند (Bolliger et.al,2015:12). با روی کار آمدن دولت کودتا در مصر شاهد تأثیرگذاری این عامل بر روندهای دموکراتیک‌سازی این کشور در زمینه کنترل رسانه‌ها که یکی از مهم‌ترین ارکان پویایی اجتماعی محسوب می‌شوند، بوده‌ایم. بخش مهمی از این شیوه کنترل، به ضعف نهادمندی سیاسی در کشور مصر مربوط است. چرا که در طول چند دهه گذشته هیچ تجربه موفق مردمی برای بهبود این عملکرد تجربه نشده است. در نتیجه در دوران حکومت دولت کودتا نیز موارد مشابه آنچه که در چند دهه پیشین به چشم خورده بود، تکرار شده است.

## ۲- شیوه‌های کنترل دولتی رسانه‌های مصری از سال ۲۰۱۳ به بعد

مصر در اواخر قرن نوزدهم میلادی در حوزه انتشار مطبوعات پیشگام کشورهای اسلامی بود و بخش عظیمی از مطبوعات آن نیز نه مالکیت دولتی بلکه مالکیت خصوصی داشتند. با تأسیس ارتش توسط رهبران آزاد جمهوری خواه و سقوط سلطنت خاندان محمدعلی، مطبوعات تحت نظارت و کنترل ارتش قرار گرفت. بعدها با روی کار آمدن جمال عبدالناصر و تأسیس حزب کمونیست مصر، مطبوعات زیر نظر این حزب به حیات خود ادامه دادند. بعد از جمال عبدالناصر و در دوران حکومت انور سادات با ظهور احزاب در صحنه سیاسی مصر، روزنامه‌های حزبی نیز در عرصه رسانه‌ای این کشور ظهور کردند که مشهورترین آن‌ها عبارت بودند از: *الاحرار*، *مصر*، *الاهالی* و *الشعب*. سرانجام

در سال ۱۹۸۰ اولین قانون مطبوعات مصر به تصویب رسید که بر اساس آن اجازه تأسیس رسانه‌های دولتی، خصوصی و تعاونی صادر شد؛ اما در دوره ریاست حسنی مبارک این قانون منسوخ و قانون جدیدی در سال ۱۹۹۶ تصویب شد (Basyouni, 2002:18). در دهه آخر حکومت حسنی مبارک چندین شبکه خبری خصوصی تأسیس شد که توسط سرمایه‌گذاران حامی وی به وجود آمده بودند. در سال ۲۰۱۱ انقلاب مصر به سقوط حکومت حسنی مبارک منتهی شد و محمد مرسی نماینده اخوان المسلمین به عنوان رئیس‌جمهور منتخب مردم به قدرت رسید. در دوره کوتاه ریاست‌جمهوری مرسی فضای رسانه‌ای خاصی در جامعه مصر به وجود آمده بود. در این دوره، با سرمایه‌گذاری فراوانی که در حوزه رسانه‌ای به وجود آمد، ۲۲ شبکه خبری تلویزیونی در مصر تأسیس شدند و خبرنگاران و روزنامه‌نگاران نیز از آزادی بیشتری نسبت به قبل برخوردار شدند (عوض، ۲۰۱۵). دوره ریاست مرسی آن چنان به درازا نکشید، چرا که توسط کودتای نظامی تحت فرماندهی ژنرال السیسی در سال ۲۰۱۳ سرنگون گردید. با سرنگونی حکومت محمد مرسی، تحرک و جریان آزادی رسانه‌ها در فضای سیاسی-اجتماعی مصر وارد مرحله جدیدی شد. بخش اصلی این تحول به چگونگی مدیریت و کنترل فضای رسانه‌ای از سوی حکومت کودتایی السیسی مربوط بود. به طور کلی رویکرد کنترلی حکومت السیسی در قبال رسانه‌ها را در سه مسیر می‌توان تقسیم‌بندی کرد که عبارت‌اند از:

## ۲-۱- گام اول: یکدست‌سازی جریان رسانه‌ای

بر اساس این رویکرد، جریان کودتا اقدام به تعطیلی و تعلیق فعالیت رسانه‌های غیرهمسو با کودتا و همسو با اخوان المسلمین کرد. با تعطیلی شبکه‌های خبری حامی انقلاب مصر و محمد مرسی، دیگر هیچ صدای مخالفی در برابر صدای حکومت السیسی وجود نداشت و تمامی شبکه‌های خبری، هم‌صدا در جهت منافع حکومت وی فعالیت می‌کردند. در عرصه مطبوعاتی نیز روزنامه‌های مهم طرفدار انقلاب مانند روزنامه «آزادی و عدالت» جماعت اخوان المسلمین توقیف شدند. بعد از اینکه جماعت اخوان المسلمین توسط مجلس نمایندگان مصر به عنوان گروه تروریستی شناخته شد، مأموران امنیتی به مقر این روزنامه هجوم آورده و ضمن تعطیلی آن، بسیاری از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران آن را دستگیر کردند. بر طبق گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز، هفت روزنامه‌نگار مصری در سال ۲۰۱۳ کشته شدند (شبکه العربیه لمعلومات حقوق الانسان، ۲۰۱۹). کشور مصر در سال ۲۰۱۵ دومین کشوری بود که بیشترین آمار روزنامه‌نگار بازداشتی را به خود اختصاص داد (لجنه حمايه الصحفیین،

۲۰۱۵). در واقع از همان روز اول، حکومت السیسی کار خود را با شعار «یا با ما یا علیه ما» شروع کرد. به طوری که صدای مخالف نظام به عنوان صدای خائن معرفی می‌شد. بدین ترتیب رسانه‌ها نه تنها به مخالفت با اقدامات حکومت اقدام نمی‌کردند بلکه به تمجید و ستایش السیسی و یاران وی می‌پرداختند. نگرش السیسی نسبت به نظام رسانه‌ای بعد از به قدرت رسیدن، در توقیف بسیاری از رسانه‌ها و ادغام برخی دیگر با هدف جلوگیری از هرج‌ومرج رسانه‌ای توجیه می‌شد ( Bolliger et.al,2015:14).

کنترل رسانه‌ها توسط دستگاه امنیتی السیسی تا جایی پیش رفت که دیگر تفاوتی میان محتوای روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری مختلف احساس نمی‌شد و بسیاری از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران حرفه‌ای از صحنه رسانه‌ای دور گردیدند و منزوی شدند (عوض، ۲۰۱۹).

هم‌زمان با انزوای اهالی حرفه‌ای رسانه‌ای، وزارت ارتباطات، شورای عالی مطبوعات و اتحادیه رادیو و تلویزیون مصر منحل شدند و جای خود را به «شورای عالی مقررات رسانه‌ای» دادند. این امر تسلط هرچه بیشتر حکومت بر رسانه‌ها را فراهم کرد، به طوری که بر طبق گزارش نهادهای بین‌المللی، تعداد جریمه مالی علیه رسانه‌ها و توقیف فعالیت سایت‌ها از ۵۰۰ مورد در سال ۲۰۱۵ به ۱۰۰۰ مورد در سال ۲۰۱۹ رسید. همچنین از بین سایت‌های توقیف شده می‌توان به سایت‌های معتبری چون «الجزیره نت» و «مصر العربیه» اشاره کرد. کنترل رسانه‌ای در دوره السیسی تا جایی پیش رفت که حتی رسانه‌های حامی وی نیز در امان نماندند. در سال ۲۰۱۶ برخی از اعضای انجمن روزنامه‌نگاران مصر بعد از مخالفت با توافقنامه الحاق جزایر «صنافیر» و «تیران» به عربستان، بازداشت و برخی دیگر از کار برکنار شدند (مجله لباب، ۲۰۱۹).

در ارتباط با چگونگی مواجهه با رسانه‌های خارجی نیز، دولت السیسی راهبرد کنترل را در پیش گرفت. رسانه‌های مهمی چون نیویورک تایمز، واشنگتن پست و شبکه خبری بی‌بی‌سی نیز تحت نظارت شدید دستگاه امنیتی قرار گرفتند تا فقط اخبار خوب را پوشش دهند (اسامه الرشیدی، ۲۰۱۳). کنترل رسانه‌ای که حکومت السیسی از زمان به دست گرفتن قدرت در مصر اتخاذ کرد، نه تنها حال و آینده را شامل می‌شد بلکه حتی به گذشته سرایت کرد و آرشیو برنامه‌های مهم توسط دستگاه امنیتی حذف گردید. با وجود این کنترل شدید، السیسی هنوز نیز ناراضی بود و حکومت را به کنترل هرچه بیشتر رسانه‌ها مجبور می‌کرد.

## ۲-۲- گام دوم: مالکیت مستقیم رسانه‌ها

پس از اینکه دولت عبدالفتاح السیسی توانست مخالفان داخلی خود را سرکوب و رسانه‌های مصری را در تسخیر خود درآورد، وارد فاز مالکیت و کنترل مستقیم رسانه‌ها شد. این موضوع پس از گذشت دو سال از به قدرت رسیدن السیسی و دقیقاً در اواسط سال ۲۰۱۶ رخ داد. حدود یک سال بعد، نتایج غلبه نظام السیسی بر رسانه‌ها از طریق انتقال مالکیت به وضوح قابل مشاهده بود. این موضوع تنها قبل از مدت کوتاهی از کاندیداتوری عبدالفتاح السیسی در یک دوره انتخاباتی جدید و تغییر قانون اساسی مصر با هدف تمدید دوره ریاست جمهوری اش برای همگان آشکار شد. در آن زمان شرکت «إعلام المصریین» به ریاست «احمد ابوالهشیمه» فرزند «حمدی ابوالهشیمه»-شخصیت تأثیرگذار وابسته به سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی، مالکیت بسیاری از رسانه‌های تأثیرگذار مصر را به دست آورد؛ از جمله این رسانه‌ها می‌توان به شبکه "ON tv" (Mansour, 2015: 12) و کانال "CBC" و روزنامه «صوت الأمة» و روزنامه‌های «اليوم السابع» و «دوت مصر» و «انفراد» و «عين المشاهير» و دو مجله "egypttoday.com" و "Business today" و همچنین چند شرکت از جمله شرکت "Presentation sport" و شرکت «مصر للسينما» به علاوه چند شرکت دیگر که در زمینه تولیدات رسانه‌ای و تبلیغات و روابط عمومی فعالیت می‌کنند، اشاره کرد (مدی مصر، ۲۰۱۷).

در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۷، ابوهشیمه-که خود از نزدیکان «محمود حجازی» رئیس ستاد کل ارتش مصر بود، سهام‌های شرکت «إعلام المصریین» را به شرکت «ایجل کاپیتال»<sup>۱</sup> وابسته به وزارت اطلاعات مصر فروخت. «دالیا خورشید»، وزیر سابق سرمایه‌گذاری مصر و همسر رئیس بانک مرکزی مصر- «طارق عامر»، ریاست این شرکت را بر عهده دارند. خانم خورشید در حال حاضر ریاست این شرکت را که مالکیت کامل آن در اختیار وزارت اطلاعات مصر است، بر عهده دارد. پس از آن، شرکت «ایجل کاپیتال» شبکه «رادیو النيل» را خریداری کرد. این شبکه رادیویی خود چندین شبکه رادیویی را در زیر مجموعه می‌بیند که از جمله رادیو «میجا»، «هیتس»، «نغم» و «شعبی» هستند (المنصه، ۲۰۱۹).

از سویی دیگر، شرکت «الشركه المتحدۀ للخدمات الإعلامیة» وابسته به وزارت اطلاعات مصر، شرکت «إعلام المصریین» و سهام چندین پایگاه خبری را طی چند مرحله خریداری کرد. از جمله

1 . Eagle capital

شرکت‌های وابسته به این مجموعه، می‌توان به مجموعه شبکه‌های "ON tv" و بخش قابل توجهی از سهام شرکت "CBC" و زیرمجموعه‌های آن و همچنین شرکت‌های "Presentation sport" و «بی. او. دی» (شرکت‌های فعال در زمینه روابط عمومی) اشاره کرد. «الشركة المتحدة للخدمات الإعلامية» بعدها روزنامه‌های «اليوم السابع»، «صوت الأمة»، «عين»، «الوطن»، «الدستور» و سایت «بمتدا» را خریداری کرد (مدی مصر، ۲۰۱۷). از جمله دیگر شرکت‌های مهم که از سوی این شرکت خریداری شد، می‌توان به مجموعه شبکه‌های «دی میدیا» وابسته به رادیو ۹۰۹۰ و مجموعه شبکه‌های "DMC" اشاره کرد که در سال ۲۰۱۷ تاسیس گردید و با قدرت و سرمایه هنگفت وارد صحنه رسانه‌ای شد. «طارق إسماعیل» افسر وزارت اطلاعات مصر که ریاست DMC را برعهده گرفت، رئیس ستاد انتخاباتی عبدالفتاح السیسی در انتخابات ریاست جمهوری مصر در سال ۲۰۱۴ بود. سرلشکر «عباس کامل» مدیر سابق دفتر السیسی نیز از اعضای هیئت مدیره این شرکت محسوب می‌شود. همسر کامل نیز یکی از مسئولان ارشد این شرکت بود، اما بعدها از پست خود کناره‌گیری کرد؛ اما دختر او به عنوان گوینده در رادیو ۹۰۹۰ (وابسته به شرکت) و سپس در شبکه "CBC" فعالیت می‌کرد. دختر کامل با وجود اینکه یک گوینده ساده و فاقد مهارت‌های لازم بود، به عنوان «بهترین گوینده رادیو» در سال ۲۰۱۸ انتخاب شد (الجزیره مباشر، ۲۰۱۹).

در سپتامبر ۲۰۱۷، خبر فروش شبکه‌های الحیاء به شرکت «تواصل» (وابسته به شرکت رویال فالکون<sup>۱</sup>) منتشر شد. این شرکت که ریاست آن برعهده سرلشکر «خالد شریف»، مسئول سابق واحد اطلاعات نظامی و مدیر سابق بخش امنیت در سازمان رادیو وتلوویون مصر است در زمینه خدمات امنیتی فعالیت می‌کند (الجزیره نت، ۲۰۱۷).

سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی مصر نفوذ و سلطه خود را در بخش پخش فیلم و سریال نیز اعمال کردند. به عنوان مثال، در ماه رمضان سال ۲۰۱۹، تنها ۲۵ سریال پخش شد که همگی توسط شرکت «سینرژي<sup>۲</sup>» وابسته به «الشركة المتحدة للخدمات الإعلامية» تهیه شده بود. در آن سال نام «تامر مرسی» کارگردان مصری بر زبان‌ها افتاد. مرسی مؤسس شرکت سینرژي و رئیس هیات مدیره شرکت «إعلام المصریین» بود. وی تمام پروژه‌های ساخت فیلم و سریال را در اختیار گرفت.

آنچه گفته شد نشان می‌دهد که این شرکت‌های رسانه‌ای از سوی ده‌ها شخصیت امنیتی و

1 . Royal falkon

2 . Synergy

اطلاعاتی مصری مدیریت می‌شود (العیسوی، ۲۰۱۹). لازم به ذکر است که هیچ یک از مدیران شرکت‌های فوق‌الذکر سابقه فعالیت در زمینه رسانه را نداشتند. برخی از این شرکت‌ها از جمله شرکت إعلام المصریین تلاش کردند که شخصیت‌های صاحب نام و برجسته رسانه‌ای را جذب کنند اما در این زمینه موفق نبودند. شرکت إعلام المصریین مدتی «اسامه الشیخ» کارشناس رسانه و از شخصیت‌های برجسته در این زمینه را جذب کرد اما او پس از گذشت دو ماه اعلام کرد که دیگر با این شرکت همکاری نمی‌کند.

از جمله شخصیت‌های امنیتی برجسته که در زمینه رسانه فعالیت کرد، سرلشکر «محمد سمیر» یکی از افسران وزارت اطلاعات و سخنگوی سابق نیروهای مسلح مصر بود. وی ریاست کانال «العاصمه» را بر عهده گرفت (بوابه الشروق، ۲۰۱۷). روزنامه نیویورک تایمز متن یک مکالمه تلفنی یک افسر در وزارت اطلاعات مصر که «اشرف الخولی» نام دارد را فاش کرد که در آن دستوراتی در خصوص چگونگی پوشش اخبار مرتبط با تصمیم ترامپ و انتقال سفارت آمریکا به قدس را به فعالان رسانه و گوینده‌های تلویزیونی ابلاغ کرده است (New York times, January 6, 2018).

بی‌شک راهبرد ورود شخصیت‌های نظامی و امنیتی مرتبط با کودتا در حوزه رسانه به دنبال کسب نتایج همسو با کودتا بود. اقدام شرکت «النیل الوطنیه للملاحه» مبنی بر ساخت فیلم و سریال‌های تلویزیونی و کلیپ‌های موسیقی ناظر بر این ادعاست. تمرکز کانال‌های وابسته به دستگاه‌های امنیتی به تبلیغات بر کیفیت تولیدات این شرکت تأثیر منفی گذاشت تا جایی که بسیاری از این شرکت‌ها در پایان سال ۲۰۱۸، با هدف کاهش هزینه‌ها تعداد زیادی از نیروهای خود را تعدیل کردند. با وجود این، تعدادی از تاجران مصر حامی السیسی همچنان در زمینه رسانه فعالیت می‌کنند. از جمله این افراد می‌توان به «محمد ابوالعینی» مالک شبکه «صدی البلد» و حسن راتب مالک شبکه «المحور» و طارق نور مالک شبکه «القاهره و الناس و أحمد بهجت» مالک شبکه «دریم» (وی در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد که یک شریک رسانه‌ای وابسته به دولت به عنوان شریک سهامدار این کانال شده است)، کانال «ام بی سی مصر» وابسته به یک تاجر عربستانی و کانال «تن»<sup>۱</sup> وابسته به یک سرمایه‌گذار اماراتی اشاره کرد (صایغ، ۲۰۱۸).

این دوره (کنترل مستقیم رسانه‌ها) همچنین شاهد برکناری بسیاری از شخصیت‌های رسانه‌های برجسته بود. سیاست جایگزینی شخصیت‌های وابسته به دولت، موجب سلطه شرکت‌های وابسته به

دولت السیسی بر جریان رسانه‌ای و ایجاد یک گفتمان واحد در میان رسانه‌های مصری شد. با وجود رویکردهای یکسویه و صرف هزینه‌های فراوان توسط دولت کودتا در زمینه رسانه، نظام سیاسی مصر در دوران حکومت السیسی نتایج دلخواه خود را کسب نکرده است و در صدد ترمیم این ضعف‌ها برآمده است.

## ۲-۳- گام سوم: آسیب‌شناسی و فرار از شکست رسانه‌ای توسط دولت السیسی

برخی از تحلیلگران رسانه‌ای از همان ابتدای اقدامات رسانه‌ای دولت کودتا معتقد بودند که رسانه‌های مصری زیر سایه کنترل شدید حکومت السیسی در رقابت با سایر رسانه‌های خارجی عربی و بین‌المللی توان رقابت را از دست خواهند داد. در این بین حتی شبکه خبری "DMC" که السیسی با تمویل سرمایه فراوان به آن می‌خواست همانند شبکه خبری الجزیره تأثیرگذار باشد، توقعات نظام سیاسی را برآورده نکرد و در رقابت با سایر شبکه‌های خبری بین‌المللی شکست خورد (صدی البلد، ۲۰۱۷).

شکست راهبرد رسانه‌ای السیسی زمانی آشکارتر شد که یک هنرمند مصری به نام «محمدعلی» که در اسپانیا اقامت دارد و جزو مخالفین حکومت مصر هم محسوب می‌شود برای السیسی ددرساز شد. این هنرمند طی ویدیویی که آن را در هفتم سپتامبر ۲۰۱۹ منتشر کرد، دست به افشاگری علیه السیسی زد و به موضوع ساخت کاخ‌های بسیار مجلل در شرق قاهره توسط این ژنرال پرداخت. وی همچنین تصاویری را هم در این باره در حساب توئیتری خود منتشر کرد. پس از این اظهارات، عبدالفتاح السیسی ساخت کاخ‌های مجلل را تأیید کرد اما گفت آن را برای مردم ساخته است. پس از انتشار فیلم سخنان محمدعلی شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر و فیسبوک شاهد فعالیت وسیع مخالفان دولت مصر شد و هشتگ «سیسی دیگر بس است»، توئیتر را درنوردید و استفاده از این هشتگ مرز یک میلیون را رد کرد. سرانجام تظاهرات مردمی مصر در استان‌های متعدد این کشور از جمله قاهره، الجیزه، اسکندریه، سوئز، استان غربی، دقهلیه و القلیوبیه و بنی سویف و دمياط و استان شرقی برگزار شد و با وجود اینکه مقامات مصری با ایجاد محدودیت‌هایی برای حضور مردم، سعی کردند میدان التحریر را از دایره اعتراضات مردمی خارج کنند، اما بزرگ‌ترین تظاهرات در این میدان برگزار شد تا بار دیگر خاطره انقلاب مردمی ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در این کشور ضد حاکمیت نظامیان زنده شود. وقوع این تظاهرات مردمی، یک شکست رسانه‌ای برای السیسی محسوب می‌شد. این

شکست، رئیس‌جمهور مصر را متقاعد ساخت که راهبرد رسانه‌ای وی ناکارآمد است و باید در آن تجدیدنظر نماید. بدین ترتیب حکومت بودجه ۳۸۰ میلیون دلاری رسانه‌های خود را کاهش داد و حتی برخی از شخصیت‌های مهم رسانه‌ای خود همچون «یاسر سلیم» را از ریاست هیئت‌مدیره شرکت‌های رسانه‌ای مصر برکنار کرد (ایلاف، ۲۰۱۹).

به طور کلی، السیسی می‌دانست که رسانه‌ها به خودی خود، از ابتدای قیام مردم مصر به عنوان علت تظاهرات محسوب نمی‌شدند، بلکه مجموعه‌ای از عوامل غیرفنی از قبیل دهه‌ها سرکوب، حاشیه‌سازی سیاسی و اقتصادی، رکود ساختاری و کاهش مشروعیت و کارآمدی نهادهای دولتی و افزایش قیمت مواد غذایی زمینه‌مقدماتی قیام مردم مصر در سال ۲۰۱۱ را فراهم کرد (آقایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵)؛ اما پس از آن و در طول حکومت کودتا السیسی مراقب بود تا رسانه‌ها زمینه تداوم، تقویت و از سرگیری انقلاب را در مصر فراهم نکنند. در رویکرد السیسی رسانه‌ها به عنوان موتور محرک مانایی انقلاب به شمار می‌روند که نقش مؤثری در سازماندهی مستمر آن خواهند داشت. بر این اساس در یک برنامه تعجیلی اقدام به مقابله و محدودسازی این قبیل از نهادهای اجتماعی را در پیش گرفت.

### ۳- اصول گفتمان‌سازی رسانه‌ای حکومت السیسی

عبدالفتاح السیسی در دوره شش‌ساله خود، بعد از اینکه رسانه‌های مخالف خود را مسدود یا محدود کرد و یک نظام اقتدارگرایی رسانه‌ای در مصر به وجود آورد بر آن شد تا یک گفتمان رسانه‌ای خاص خود را در مصر حاکم نماید. گفتمانی که می‌توان شاخص‌های اصلی آن را در سه اصل کلی قابل تقسیم‌بندی کرد: تائید، تحریک، تلقین.

#### ۳-۱- شاخص تائید

بعد از اینکه حکومت السیسی توانست بر رسانه‌ها مسلط شود، دیگر از آن فضای رسانه‌ای که طی آن رسانه‌ها با آزادی بیشتری فعالیت می‌کردند، خبری نبود و رسانه‌ها چاره‌ای جز تائید اقدامات حکومت نداشتند. در واقع رویکرد تهاجمی دولت کودتا در همراه‌سازی جریان‌های رسانه‌ای و در اختیار گرفتن ساختار مدیریتی آن‌ها، زمینه رویکرد حمایتی را از سوی رسانه‌های منفعل فراهم می‌ساخت. در این راستا، آن دسته از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران که شیوه بی‌طرفی را اتخاذ کرده



بودند، از کار برکنار و منزوی شدند. بدین ترتیب رسانه‌های مصری تمامی اقدامات حکومت السیسی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و حتی واردات گاز از اسرائیل را تأیید کردند. در این زمینه از مهم‌ترین برنامه‌هایی که در تأیید اقدامات حکومت عبدالفتاح پیشرو بودند، می‌توان به برنامه «علی مسوولیتی» شبکه «صدی البلد» و برنامه «الحکایه» شبکه «MBC مصر» اشاره کرد.

### ۳-۲- شاخص تحریک

السیسی که در حین به قدرت رسیدن وعده داد بود، یک منشور رسانه‌ای برای حفظ آزادی رسانه‌ها ایجاد خواهد کرد، نه تنها به وعده خود عمل نکرد، بلکه تمامی رسانه‌های مخالف را محدود یا مسدود ساخت. به دنبال آن رسانه‌های حامی وی، مردم را علیه مخالفان حکومت تحریک می‌کردند. این رسانه‌ها هرکس که مخالف حکومت بود را به عنوان خائنی معرفی می‌کردند که مستحق مجازات بود. این امر تا جایی پیش رفت که السیسی آشکارا رسانه‌ها را بر حذر ساخت تا مبادا بر علیه «ارتش و دستگاه امنیتی» مصر انتقادی داشته باشند، زیرا که جرمی نابخشودنی و مجازات سنگینی به دنبال خواهد داشت (الیوم السابع، ۲۰۱۹)؛ بنابراین روشن است که به دلایل متعددی از جمله آشکار شدن بسیاری از شعارهای ادعایی السیسی در ارتباط با فضای آزاد سیاسی و رسانه‌ای، در کنار بی‌ثباتی‌های اقتصادی و اجتماعی زمینه برای بیان انتقادات رسانه‌ای نیز مهیا می‌شد. با مشاهده این وضعیت توسط نظام سیاسی، دولت تلاش می‌کرد تا ضمن به دست گرفتن ابتکار عمل، از بیان هر نوع رویکرد انتقادی ممانعت به عمل آورد.

### ۳-۳- شاخص تلقین

آخرین اصل گفتمان رسانه‌ای السیسی، اصل تلقین بود. بر اساس این اصل، رسانه‌ها می‌بایست به شهروندان مصری تلقین کنند که اقدامات حکومت بسیار مفید و آینده‌ساز خواهند بود. تیرهایی چون «مصر بر می‌خیزد» و یا «ارتش کانون قدرت منطقه است»<sup>۲</sup> از تیرهای تکراری رسانه‌ها محسوب می‌شد. حکومت برای پیشبرد این اصل در تمامی هیئت تحریریه‌ها، رجال خاص خود را گماشته بود تا نظارت مستقیمی بر محتوای رسانه‌ها داشته باشند (العربی الجدید، ۲۰۱۹).

۱. مصر تستیقظ

۲. جیش مصر مرکز النقل الحقیقی للمنطقه

با ارزیابی راهبردهای سه‌گانه نظام سیاسی مصر در مواجهه با مجموعه رسانه‌ای مصر و همچنین نتایج اقتصادی-اجتماعی داخل مصر روشن می‌شود که این دست‌ورعمل‌ها در نهایت نتوانستند از ناکارآمدی نظام رسانه‌ای مد نظر السیسی جلوگیری کنند. به‌گونه‌ای که الگوی کنترل رسانه‌ای در نهایت باعث سلب اعتماد مردم مصر به رسانه‌های محلی و رسمی شد و شبکه‌های دیگر خبری چون نتوانستند هرچه بیشتر مردم مصر را به سوی خود جذب کنند.

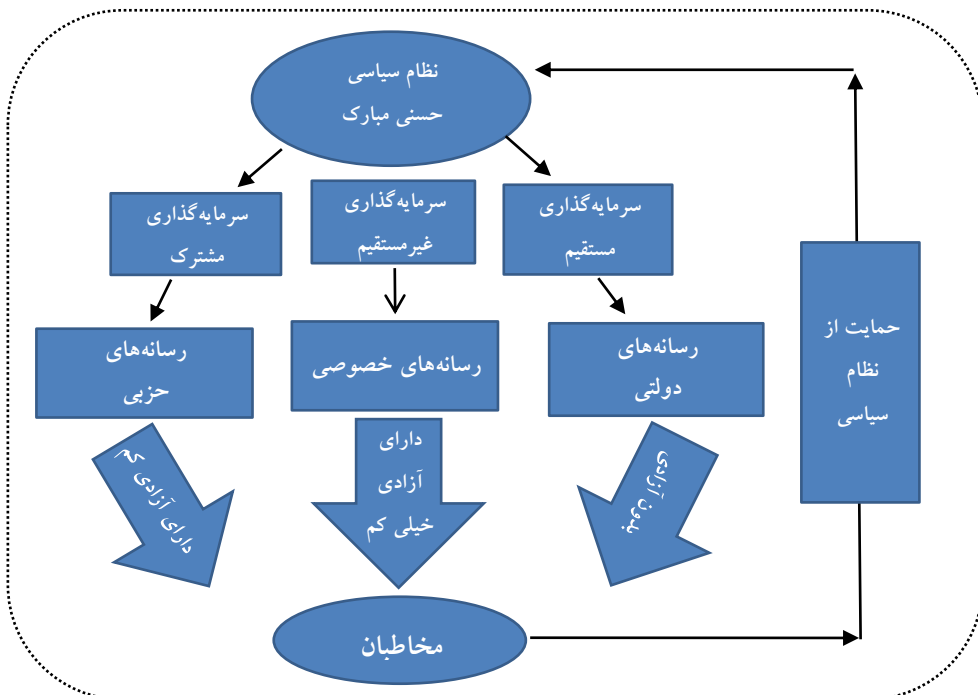
#### ۴- الگوی حاکم بر روابط رسانه‌ها و نظام سیاسی مصر

یکی از مهم‌ترین عواملی که در فروپاشی رژیم‌های اقتدارگرا نقش آفرینی می‌کند، جهانی شدن عرصه ارتباطات و اطلاعات است. امروزه اخبار مربوط به نقض حقوق بشر و اقدامات سرکوبگرانه به سرعت توسط رسانه‌ها منتشر می‌شوند و فشار مضاعفی را بر رژیم‌های اقتدارگرا وارد می‌سازند. بسیاری از رسانه‌ها، قابلیت و توانایی کنترلی دولت‌ها را محدود کرده‌اند و انصار دولت‌ها را بر رسانه‌ها شکسته شده است. بسیاری از این رسانه‌ها توانسته‌اند خلأهای مربوط به نقش احزاب سیاسی را پر کنند و زمینه بسیج سیاسی در فضای سیال و غیرقابل کنترل را فراهم آورند (el Issawi, 2018:26). تحولات موسوم به بهار عربی در مصر حاکی از نوعی سازمان‌دهی اجتماعی از طریق شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی اینترنتی بوده است. در نتیجه نقش این دسته از رسانه‌ها در تحولات سال ۲۰۱۱ مصر بسیار پررنگ بود. با این حال در مرحله گذار به نظام‌های سیاسی مردمی، رسانه‌ها می‌توانند زمینه دامن زدن به مطالبات مردمی را تشدید کنند و زمینه افزایش مطالبات از نظام سیاسی را موجب شوند. عدم توانایی نظام سیاسی در برآوردن این دسته از مطالبات موجب گسترش فضای بی‌ثباتی سیاسی در کشور خواهد شد (نیاکوئی، ۱۳۹۳: ۹۱-۹۲).

در مصر بعد از کودتای نظامی ۲۰۱۳، نظام سیاسی السیسی که آزادی رسانه‌ای را عامل سقوط حسنی مبارک می‌دانست، توانست بر رسانه‌های مصری تسلط نماید و یک نظام اقتدارگرای رسانه‌ای به وجود آورد. بدین ترتیب دولت به اشکال مختلفی چون وضع قانون، کنترل مستقیم و بدون واسطه تولیدات رسانه‌ای، وضع مالیات و انواع مجازات‌های اقتصادی، حق انتصاب سردبیری و معلق نگه داشتن انتشار بر رسانه‌های مصر را تحت کنترل خود درآورد. از لحاظ قانونی نیز از آن جایی که نظام سیاسی مصر همواره الگوی اقتدارگرایی را به خود تجربه کرده است، ایجاد یک رسانه مستقل و آزاد در دوران نظام حکومت نظامی محور به امری محال تبدیل شده است. در نتیجه رسانه‌ها تحت یک

الگوی اقتدارگرا، قدرت انتقاد خود را از دست دادند (el Issawi, 2014:300).

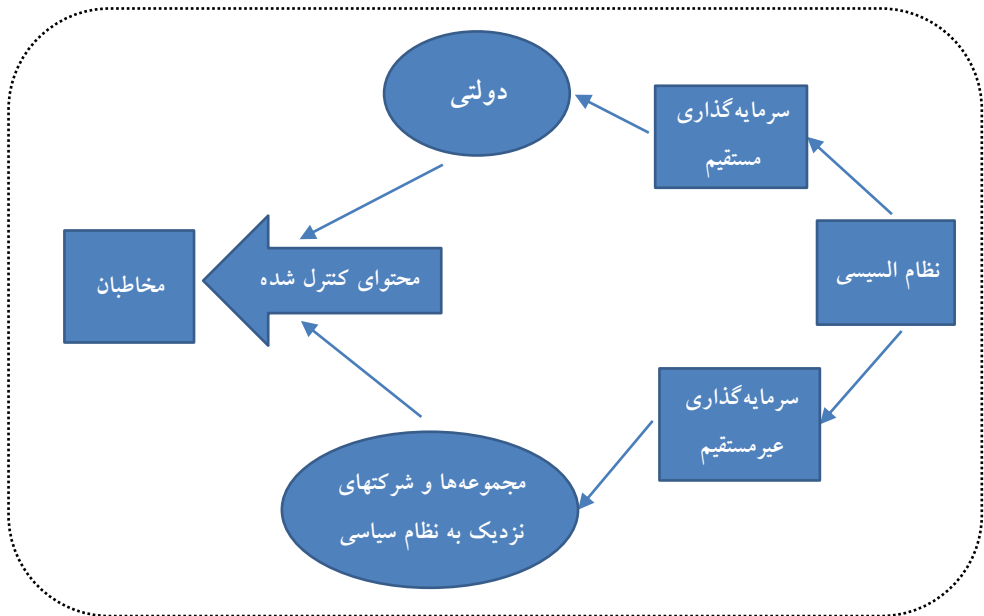
به طور کلی برای اینکه الگوی حاکم بر روابط رسانه‌ها و نظام سیاسی مصر در دوره ریاست عبدالفتاح السیسی را مشخص سازیم، ابتدا می‌بایست این الگو را در عهده ریاست حسنی مبارک شناسایی کنیم. در زمان مبارک سه نوع مالکیت رسانه‌ای وجود داشت: ۱- رسانه‌های دولتی ۲- رسانه‌های خصوصی و ۳- رسانه‌های حزبی. رسانه‌های دولتی چون اعتبارات خود را از دولت دریافت می‌کردند، محتوای تولیدات آن‌ها نیز تحت کنترل و نظارت مستقیم دولت قرار داشت. همچنین با توجه به آن‌که رسانه‌های خصوصی نیز توسط سرمایه‌داران نزدیک به حکومت ایجاد می‌شد، در نتیجه محتوای تولیدشده توسط آن‌ها نیز به صورت غیرمستقیم تحت نظارت دولت بود. شکل دیگر مالکیت رسانه‌ای در عهده حسنی مبارک، مالکیت حزبی بود. اجازه فعالیت احزاب در دوره مبارک موجب، شکل‌گیری رسانه‌های حزبی شده بود. با اینکه رسانه‌های حزبی اعتبارات خود را از احزاب داخل و خارج دریافت می‌کردند و از آزادی بیشتری نسبت به سایر رسانه‌ها برخوردار بودند، اما همچنان محتوای فعالیت و محصولات آن‌ها به صورت غیرمستقیم تحت نظارت حکومت بود.



نمودار شماره ۱- الگوی حاکم بر روابط رسانه‌ها با نظام سیاسی حسنی مبارک

منبع: نگارندگان

اما در دوره حکومت السیسی و به طور ویژه در فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ نظام سیاسی به جای نظارت با واسطه، اقدام به کنترل مستقیم رسانه‌ها کرده است. در این دوره دیگر خبری از رسانه‌های حزبی نیست و همچنین تفاوتی بین رسانه‌های دولتی و خصوصی احساس نمی‌شد. رسانه‌ها در این دوره هیچ‌گونه اهداف اقتصادی نداشتند و وظیفه اصلی آن‌ها کنترل افکار عمومی و تأیید اقدامات حکومت بوده است. بدین ترتیب الگوی حاکم بر روابط رسانه‌ها و نظام سیاسی در دوره ریاست السیسی یک الگوی خطی است که طی آن رسانه‌ها یا به‌وسیله خود دولت یا به‌وسیله افراد نزدیک دولت کنترل می‌شوند. در شکل شماره ۲، سیر تحرک جریان رسانه‌ای در دوران حکومت السیسی بر مصر به نمایش گذاشته شده است. این شکل نشان می‌دهد که به چه صورت جریان تولید شده از سوی رسانه‌های مختلف مصری در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.



نمودار شماره ۲- الگوی حاکم بر روابط رسانه‌ها با نظام سیاسی السیسی

منبع: نگارندگان

## نتیجه‌گیری

در مصر بعد از کودتای نظامی ۲۰۱۳، عبدالفتاح السیسی به قدرت رسید. السیسی معتقد بود که

انقلاب مردمی ۲۵ مارس ۲۰۱۱ مصر نتیجه آزادی‌ای بود که روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و به عبارتی رسانه‌ها داشتند. السیسی رسانه‌ها را عامل افزایش آگاهی مردم و در نتیجه عامل اصلی انقلاب می‌دانست. وی افکار عمومی را محصول رسانه‌ها می‌دانست؛ و در نتیجه بعد از به قدرت رسیدن دستور داد که رسانه‌ها تحت کنترل و نظارت مستقیم دستگاه امنیتی قرار گیرند. بدین ترتیب دولت السیسی موفق شد که به شیوه‌های مختلفی چون وضع قانون، کنترل مستقیم و بدون واسطه تولیدات رسانه‌ای، وضع مالیات و انواع مجازات‌های اقتصادی، حق انتصاب سردبیری و تعلیق انتشار و ... رسانه‌های مصر را تحت کنترل خود درآورد. از لحاظ قانونی نیز از آن جایی که مصر یک کشور غیردموکراتیک است، ایجاد یک رسانه مستقل و آزاد در دوره حکومت نظامی محور به امری محال تبدیل شده و در نتیجه رسانه‌ها تحت یک الگوی اقتدارگرا، قدرت انتقادی خود را از دست دادند.

نفوذ و کنترل رسانه‌های مصر از سوی نظام السیسی لطمه سختی به این رسانه‌ها وارد کرد. نظام السیسی ضمن همسو کردن رسانه‌ها با خود، درصدد بود تا سیاست‌های مطلوب خود را ترویج کند و آزادی رسانه را محدود و سانسور خبری را در بالاترین حد ممکن دنبال نماید. نظام السیسی برای این کار افسران آشنا با کار رسانه‌ای را برای کنترل رسانه‌ها برگزید. افسران با خبرنگاران همانند سربازان در پادگان‌ها رفتار می‌کردند، موضوعی که باعث شد بسیاری از فعالان توانمند شاغل در رسانه‌های مصر، شغل خود را تغییر داده و از ادامه فعالیت در فضای رسانه‌ای، خودداری کنند. گفتمان رسانه‌ها نیز حول محور تائید نظام حاکم، حمله به مخالفان و القای مفاهیم خاص به مخاطبان می‌چرخید. در نتیجه فضای رسانه‌های مصر به همان حالت خود در دهه شصت میلادی برگشت، موضوعی که شخص السیسی با افتخار از آن یاد می‌کند: «جمال عبدالناصر خوش‌شناس بود، وقتی رسانه‌ها با وی همسو بود».

پرونده رسانه‌های مصر پس از کودتای نظامی، بازتاب حفظ ساختار رسانه‌ای مستقل پس از دوران گذار سیاسی است. دوران گذار سیاسی همواره در نوع خود یک روند شکننده و بی‌ثبات به شمار می‌رود. تجزیه و تحلیل تعامل میان رسانه‌ها و سیستم‌های سیاسی همیشه موضوع مباحث نظام‌سازی سیاسی بوده است. با این حال، استقلال عمل رسانه‌ها در درون دولت‌های برخاسته از کودتاهای نظامی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و مشکلات جوامع در حال گذار سیاسی همچون مصر محسوب شده است. این در حالی است که مصر دارای یکی از قدیمی‌ترین ساختار رسانه‌ای (مطبوعاتی) عربی بوده است؛ اما این ساختار باسابقه در طول دهه‌های گذشته همواره با الگوی اقتدارگرایی که ساخته و

پرداخته نظام‌های سیاسی مصر است، دست و پنجه نرم می‌کند. در دوران ریاست عبدالفتاح السیسی نیز این ساختار در قالب و اشکال جدیدی دنبال شده است. الگوی اقتدارگرایی رسانه‌ای السیسی باعث شد که مخاطبان مصری اعتماد خود را نسبت به رسانه‌های این کشور از دست بدهند، موضوعی که ضربه سختی به بازار شرکت‌های رسانه‌ای مصر وارد نمود، بازاری که شرکت‌های رسانه‌ای از طریق آن سودهای کلانی دریافت می‌کردند. الگوی اقتدارگرایی رسانه‌ای السیسی به عنوان یک الگوی شکست‌خورده شناخته شد، الگویی که حاصل سلطه و نفوذ نامشروع حکومت بر رسانه‌ها بود. این الگو مردم را از رسانه‌های مصر دور کرد، این در حالی است که کشور مصر از جمله کشورهای پیشگام در زمینه تولید محصولات تبلیغاتی و رسانه‌ای، سینمایی و همچنین رخدادهای سیاسی به شمار می‌رفت. بازیابی مجدد اعتبار رسانه‌های مصری در آینده در گروه استقلال عمل آن‌ها از عملکردهای یک‌سویه دولت السیسی است. فشار شرکت‌های رسانه‌ای و فعالان این حوزه و همچنین نیاز حکومت السیسی به بازگرداندن اعتبار و بهبود وجهه خود، از جمله موضوعات مهمی است که شاید نظام السیسی را به اتخاذ گام‌هایی در جهت بهبود وضعیت رسانه‌ها وادار کند.

## منابع

### الف - منابع فارسی

- آقایی، سید داوود، صادقی، سید سعید و هادی دولت‌آبادی، داریوش (۱۳۹۱) «واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (اطلاع‌رسانی، سازماندهی و گسترش سریع تحولات)»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۳۴-۷.
- باردن، لورنس (۱۳۷۳)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه یمنی سرخابی و محمد آشتیانی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸۱)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۲)، *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی*، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- موسوی، سید محمد (۱۳۹۲)، «جایگاه رسانه‌های جدید در تحولات خاورمیانه (مطالعه موردی کشور مصر)»، *پژوهش‌های ارتباطی*، سال بیستم، شماره ۳ (پیاپی ۷۵)، پاییز ۱۳۹۲، صص ۳۳-۱۵.
- نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۳)، *ارتش و سیاست در خاورمیانه عربی*، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.

### ب- منابع انگلیسی

- Abdulla, Rasha (2014) "Egypt's Media in the Midst of Revolution", *Carnegie Endowment for International Peace*, 1 Jul 2014, Pp. 1-46.
- Bolliger, Romuald, Elmenshawy, Mohamed and Weilandt, Ragnar (2016) "The Military, the Media and Public Perceptions in Egypt Communication and Civil-Military Relations", *The Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces (DCAF)*, Pp. 1-36.
- Darwisheh, Housam (2015) "Regime Survival Strategies and the Conduct of Foreign Policy in Egypt", *IDE ME Review*, Vol. 2, Pp. 44-64.
- El-Issawi, Fatima (2014), "the Role of Egyptian Media in the Coup", in EMed, *Mediterranean Yearbook 2014, Strategic Sectors | Culture and Society*. Pp. 299-304.
- El-Issawi, Fatima (2018), *Egyptian Media under Transition: In the Name of the Regime... In the Name of the People?*, POLIS—Media and Communications, London School of Economics, "Arab Revolutions: Media Revolutions" Project, Pp. 1-95.
- El-Nawawy, Mohammed and Elmasry, Mohamad Hamas (2016) "The Signs of a Strongman: A Semiotic and Textual Analysis of Abdelfattah Al-Sisi's Egyptian Presidential Campaign", *International Journal of Communication*, Vol 10, Pp. 2275-2296.
- Hamada, Basyouni (2002) "Historical and Political Analysis of Mass Media in Egypt", *The Egyptian Journal for Communication Research*, Volume 9, Number 2, Pp. 1-31.

- Mansour, Sherif (2015) "Stifling the Public Sphere: Media and Civil Society in Egypt", *National Endowment for Democracy*, 14 Oct 2015, Pp. 1-16.
- *New York Times*, (2018), "Tapes Reveal Egyptian Leaders Tacit Acceptance of Jerusalem Move", <https://nyti.ms/2psweis>
- TIMEP (2016) a Fragile Egypt in a Changing World: Six Years after the Revolution, *Tahrir Institute for Middle East Policy*, Pp. 1-48.

### پ- منابع عربی

- آلاء عبدالرحمن، (۲۰۱۷) (دور وسائل الإعلام فی زیادة العنف السیاسی فی عملیات التغبیر السیاسی: مصر نموذجاً)، رساله دکتوراه، جامعه النجاح الوطنیه، الضفه الغربیه.
- الجزیره نت، شرکه فالکون ... إمبراطوریه أمنیه تمددت نحو الإعلام، (۲۰۱۷.۰۹.۱۰) متاح فی: <https://www.aljazeera.net/>
- الجزیره مباشر، کیف أصبحت ابنه رئیس المخابرات أفضل مذبعة فی مصر؟، (۲۰۱۹.۱۲.۲۵) متاح فی: <https://mubasher.aljazeera.net/>
- العربی الجدید، الجیش مصدر الثقل... المانشیت الموحد يعود مجددا للصحف المصریه، (۲۰۱۹.۰۹.۱۵)، متاح فی: <https://www.alaraby.co.uk/>
- الرشیدی، اسامه، السیاسات الاعلامیه بعد یولیو ۲۰۱۳، المعهد المصری للدراسات، ایار ۲۰۱۸، متاح فی: <https://bit.ly/35xnPpu.com/>
- الشبکه العربیه لمعلومات حقوق الإنسان، شهداء الصحافه فی مصر منذ ثورة يناير والإفلات من العقاب، (۲۰۱۴.۰۹.۰۸) متاح فی: [https:// bit.ly/2tsA5tr.com/](https://bit.ly/2tsA5tr.com/)
- المنصبه، تحركات جدیده للإعلام: تنقلات للمذيعین، ۲۰۱۹ متاح فی: [https:// bit.ly/2r01Us7.com/](https://bit.ly/2r01Us7.com/)
- المصری الیوم، رئیس السیسی: عبد الناصر کان محظوظ (محظوظاً)، (۲۰۱۴.۰۵.۰۸)، متاح فی: <https://www.almazryalyoum.com/>



- اليوم السابع، رئيس الوطنيه للصحافه: ديون المؤسسات الدوليه بلغت ۱۹ مليار جنيه، ۲۰۱۹ متاح في: [https:// bit.ly/35r2DS8.com/](https://bit.ly/35r2DS8.com)
- ايلاف، القبض على امبراطور الاعلام المصرى و التهمه غريبه، ۲۰۱۹، متاح في: <https://bit.ly/34pzfdp.com/>
- بوابة الشروق، العميد محمد سمير .. من المتحدث العسكرى لإدارة قناة العاصمة، (۲۰۱۷.۰۱.۱۱۵)، متاح في: <https://www.shorouknews.com/>
- شحاته عوض، أزمة الإعلام الخاص بمصر: أكبر من مجرد ضائقة مالية، مركز الجزيرة، (۲۰۱۵.۱۰.۲۲)، متاح في: <https://studies.aljazeera.net/>
- شحاته عوض، الأزمة بين السلطة والصحافة فى مصر: علاقة متناقضة"، مركز الجزيرة للدراسات، (۲۰۱۶.۰۵.۲۶)، متاح في: <https://studies.aljazeera.net/>
- العيسوى، طه، عربى ۲۱ ترصد بالأسماء.. ۳۵ جنرال يتحكمون إعلام السيسى، (۲۰۱۹.۱۱.۲۲)، متاح في: <https://arabi21.com/>
- مجله لباب، اشكاليات المهنيه و السياسيه فى الحاله الاعلاميه المصريه، العدد السادس، تموز ۲۰۱۹، متاح في: <https://studies.aljazeera.net/>
- لجنة حماية الصحفيين، الصين ومصر تسجنان أعدادا قياسية من الصحفيين، (۲۰۱۵.۱۲.۱۵)، متاح في: <https://cpj.org/ar>
- مدى مصر، تفاصيل استحواذ المخابرات العامة على إعلام المصريين، (۲۰۱۷.۱۲.۲۰)، متاح في: [https:// madamasr.com](https://madamasr.com)
- رشا عبدالله، الاعلام المصرى فى خضم الثورة، (۲۰۱۴.۰۷.۱۶) متاح في: <https://carnegie-mec.org>
- يزيد صايغ، اولياء الجمهوريه: تشريح الاقتصاد العسكرى المصرى، (۲۰۱۸)، متاح في: <https://bit.ly/36Ifsrc.com/>